

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد ملی و بین‌المللی در پیشگیری از جرایم محیط‌زیستی

هما داوودی گرمارودی^۱، ایرج گلدوزیان^۲، احمد طلوعی مقدم^{۱*}

*۱- دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران.

۲- دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: مهر ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: دی ۱۳۹۸

چکیده

حق برخورداری از سلامت یکی از حقوق اساسی هر شخص است. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و قانون اساسی ایران در اصل ۳ (بند ۱۲)، ۲۹ و ۴۳ بر حق بر سلامت و برخورداری از بهداشت تأکید دارد. ماده ۲ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ ریاست جمهوری نیز حق بر سلامت را یکی از حقوق هر ایرانی اعلام کرده است. امروزه محیط‌زیست و سلامت، رابطه تنگاتنگی دارند. بر این اساس در کنار سایر ارزش‌هایی که پیش‌بینی شده است، حق بر سلامت و داشتن محیط‌زیست سالم نیز یکی از ارزش‌های اساسی برای انسان‌ها به شمار می‌آید؛ به طوری که انسان بدون داشتن محیط‌زیستی امن و سالم قادر نخواهد بود به زندگی طبیعی خود ادامه دهد. اهمیت پیشگیری از جرائم زیست محیطی از این جهت است که با سلامتی انسان‌ها به صورت مستقیم ارتباط دارد، اغلب کشورها مقررات جزایی خاصی را در این مورد به اجرا می‌گذارند. بدین جهت این مهم به عنوان موضوعی ویژه در شکل‌دهی سیاست جنایی تقنینی در مورد حفاظت از محیط‌زیست قابل مطالعه و بررسی است. هدف پژوهشگران در این تحقیق بررسی ایفای نقش سمن‌های ملی و بین‌المللی در کاهش جرایم محیط‌زیستی است. پژوهش حاضر از جمله در پی تبیین نقش سمن‌ها در زمینه پیشگیری، افشا و تعقیب جرایم محیط‌زیستی است تا از این طریق اهمیت آن برای مراجع تقنینی، اجرایی و قضایی بیش از پیش روشن گردد. کاهش جرایم محیط‌زیستی هم از منظر حق سلامت واجد اهمیت است و هم از منظر جرم‌شناسی و لزوم کاهش زمینه‌های کاهش جرم. دولت‌ها در جهت کاهش جرایم محیط‌زیستی دو ابزار مهم در اختیار دارند: ۱- وضع مقررات کیفری مناسب با هدف بازدارندگی و ارعاب مجرمین احتمالی. ۲- تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و نتیجتاً آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی، مداخله این سازمان‌های در تعقیب و کشف جرم و ایجاد حساسیت نسبت به این قبیل جرایم. بدین منظور لازم است تا قانون‌گذار نقش پررنگ تری در زمینه اعلام جرم و دخالت در فرآیند دادرسی‌های کیفری و حقوقی به سمن‌ها اعطا نماید. این نظر از جمله برگرفته از نظریه جرم‌شناسی سبز یا جرم‌شناسی محیط‌زیستی می‌باشد. در تحقیق حاضر علاوه بر بررسی مسائل پیش گفته در پی مطالعه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران در مبارزه با جرایم محیط‌زیستی از منظر کشف و تعقیب جرم و ایجاد حساسیت عمومی نسبت به این قبیل جرایم هستیم.

واژه‌های کلیدی: جرائم محیط‌زیستی، سازمان‌های مردم‌نهاد، جرم‌شناسی سبز، جرم‌شناسی محیط‌زیستی، اقدامات کنشی

و واکنشی

مقدمه

سوال اصلی تحقیق حاضر به نحوه تأثیر سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از جرایم محیط‌زیستی بر می‌گردد. پیشگیری از جرم همواره از موضوعات اساسی و مهم در زندگی انسان‌ها بوده که در طول تاریخ به شیوه‌های مختلف اعمال گردیده است. در جوامع گذشته مجازات به عنوان تنها راهکار مبارزه علیه جرم و مجرم تلقی می‌شد. پیشگیری از جرم در مفهوم موسع هم پیشگیری کیفری و هم پیشگیری غیرکیفری را شامل می‌شود. امروزه سازمان‌های مردم نهاد (NGO) به عنوان سازمان‌های غیررسمی در هر نظام اجتماعی با هدف جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود می‌توانند نقش مؤثری در مدیریت جرائم ایفا کرده و جایگاه ویژه‌ای در ارتقاء سطح آگاهی عمومی و توسعه نیروی انسانی داشته باشند. در حال حاضر ارتباط مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی، از طریق نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که به سازمان‌های مردم نهاد NGO معروف شده‌اند. در زبان فارسی این سازمان‌ها به اختصار «سمن» نامیده می‌شوند که به صورت داوطلبانه، غیرانتفاعی و بدون وابستگی به دولت با تشکیلات و سازمان دهی مشخص در جهت اهداف و موضوعات تعیین شده فعالیت می‌کنند. این اهداف می‌تواند حول موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی یا امور خیریه باشد (گلشن پژوه، ۱۳۸۹).

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی می‌توانند با هدف اصلی خود تعریف شوند. برخی از INGOs، عملیاتی هستند به این معنی که هدف اصلی آن‌ها حمایت از سازمان‌های جامعه در داخل کشور از طریق پروژه‌ها و عملیات‌های مختلف است. برخی از INGOها مبتنی بر حمایت هستند، به این معنی که هدف اصلی آن‌ها تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری دولت‌های مختلف کشورهای مربوط به مسائل خاص و یا ارتقاء آگاهی از یک مسأله خاص است. بسیاری از INGOs بزرگ دارای مؤلفه‌های هر دو پروژه‌های عملیاتی و ابتکارات حمایت از همکاری در داخل کشورهای مختلف است. سازمان مردم نهاد بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی و غیردولتی است.

بعد از کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم، از ارزش‌های محیط‌زیستی

به عنوان ارزش‌های اساسی جامعه بشری نام برده شد. تمامی کشورها ملزم شدند یکسری قوانین دقیق محیط‌زیستی را برای حفاظت از محیط‌زیست تدوین نمایند و کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و در ایران هم قوانین محیط‌زیستی متعددی در سطوح مختلف اعم از حقوقی، کیفری، اداری و آیین نامه‌ای تدوین شده است. بنابراین مشارکت سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی برای پیشگیری از وقوع جرائم و برقراری نظم و امنیت مطلوب در جامعه امروزی امری لازم و چه بسا ضروری است (پروین، ۱۳۸۶). نکته حائز اهمیت این که رسیدن به هدف آرمانی آلودگی صفر غیرممکن است. چرا که آلودگی محیط‌زیست یکی از آثار و تبعات حتمی صنعتی سازی است (Elli, 2006).

فعالیت‌های پیشگیری از جرم و جنایت، باید پاسخگوی نیازهای جامعه باشند. خسارت‌های بیشماری که به محیط زیست وارد شده موجب گردیده دولت از تمام ظرفیت‌ها برای حفظ محیط‌زیست استفاده کند. یکی از این ظرفیت‌ها ابزار قانونگذاری است و دیگری می‌تواند استفاده از سمن‌ها یا همان سازمان‌های مردم نهاد ملی یا بین‌المللی باشد که می‌تواند از طریق رسمیت بخشیدن به عملکرد این سازمان‌ها نقش هر چه بیشتر آن‌ها را در پیشبرد اهداف عالی نمایان سازد. ایجاد نهادهای عمومی و خصوصی در مورد مبارزه با آلودگی‌ها و تخریب محیط‌زیست یکی از این ساز و کارهاست که به منظور حل مشکلات محیط‌زیستی و تأمین منابع مالی پروژه‌های محیط‌زیست تأسیس می‌شوند.

بخش اعظم منابع مالی این نهادها، علاوه بر کمک‌های دولتی، از محل عوارض و مالیات‌ها تأمین می‌شوند. در حقیقت این ساز و کار از این منظر پیروی می‌کند که فرد متخلف و آلوده کننده محیط‌زیست باید خود توان و هزینه‌های آلودگی را بپردازد. دولت‌ها امروزه به این مهم که حفظ محیط‌زیست تنها از طریق نهادهای دولتی میسر نیست واقف گشته‌اند و ایران نیز از این مقوله مستثنا نیست.

اهمیت این موضوع در نگاه تیزبین قانونگذار آنقدر بالا بوده که یکی از اصول قانون اساسی مستقلاً و به طور جداگانه به این موضوع اختصاص یافته است به طوری که مقنن در اصل ۵۰ قانون اساسی حفظ و حراست از محیط‌زیست را وظیفه

در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اصل پیشگیری یا قاعده طلایی (Golden role) در زمره اصول پذیرفته شده است. این قاعده از اعلامیه ریو مصوب ۱۹۹۲ گرفته شده است. در حال حاضر یکی از نواقص تقنینی در زمینه اقدامات واکنشی این است که سمن‌ها نمی‌توانند به عنوان شاکی در دادرسی‌های کیفری مداخله نمایند. در حالی که جرایم این حوزه جزو جرایم بدون بزه دیده خاص است و نباید قواعد عمومی تعقیب جرایم در دادسرا در خصوص این دسته از جرایم اعمال شود. هم‌چنین قانونگذار صراحتاً حق اقامه دعوای مطالبه خسارت وارد بر محیط‌زیست را به این سازمان‌ها اعطا نکرده است. حال آن‌که ضرورت این امر به شدت احساس می‌شود. چون ممکن است دعوای کیفری بنا به جهات قانونی یا موضوعی منتج به نتیجه نشود.

حفظ محیط‌زیست به عنوان سرمایه بشری موضوع گفتگوهای حقوقی و اقتصادی بسیاری قرار گرفته و به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق بشری شناخته شده است. امروزه سه نسل از حقوق بشر تعریف شده است که نسل اول به عنوان حقوق منفی یا سلبی در ارتباط با حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و نسل دوم در ارتباط با حقوق ایجابی مانند حق بر آموزش و تأمین اجتماعی و... تعریف شده است و نسل سوم که حقوق جمعی یا همبستگی نامیده می‌شود از حقوقی مانند حق بر توسعه یا حق بر محیط‌زیست گفتگو می‌کند و این، حق مشترک همه انسان‌هاست. در اسلام نیز از محیط‌زیست به عنوان ثروت‌های عمومی یا انفال یاد می‌شود که حاکم باید آن را به نحو شایسته‌ای اداره کند و بهره‌برداری از آن را به گونه‌ای سامان دهد که همه مردم از آن بهره‌مند گردند. لذا این پژوهش مبتنی بر این مبانی نظری خواهد بود. فارغ از نظریه‌های مختلفی که توسط اندیشمندان و صاحب نظران، در جهت مفهوم سازی سازمان‌های مردم نهاد، بیان شده است، در بیشتر موارد می‌توان این سازمان‌ها را در قالب «جنبش‌های اجتماعی» تعریف نمود و به این ترتیب آن‌ها را، با توجه به ویژگی و کارکردهای مهم این جنبش‌ها، از جمله نقش موثرشان در میانجی‌گری، آگاهی‌بخشی به طرق مختلف و در زمینه‌های

نهادهای دولتی و مردم نهاد و تک تک مردم دانسته است. مقنن در پیشگیری از جرم در جرائم محیط‌زیستی برابر ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲، حق اعلام جرم را نیز به سازمان‌های مردم نهاد داده است. هرچند که این موضوع به عنوان تکلیفی بر عهده سازمان‌های مردم نهاد نیست؛ اما این حق را دارند که اعلام جرم نمایند. سمن‌ها علاوه بر حق اعلام می‌توانند در تمام مراحل دادرسی، جهت اقامه دلیل، شرکت کنند و حتی نسبت به آرای مراجع قضایی نیز اعتراض نمایند که این امر نقش و حضور فعال سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی را در جهت اعمال حق خویش دو چندان می‌کند.

نکته دیگر اینکه با توجه به شیوه نگارش ماده ۶۶ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲، سازمان‌های مردم نهادی که دارای حق اعلام جرم، شرکت در تمام مراحل دادرسی و اعتراض به آرای مراجع قضایی هستند، صرفاً باید فعالیت اساسنامه‌ای آن‌ها در ارتباط با حمایت محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی باشد. از جمله انجمن‌های فعال در زمینه محیط‌زیست ملی عبارت است از: انجمن نبض زمین، انجمن جامعه سبزاندیش، انجمن طبیعت گران برنا، انجمن پسماند ایران، انجمن پایش گران محیط زیست ایران (پاما)، انجمن رکاب سبز، انجمن بوم کلبه هیرکانیان و هم‌چنین در خصوص انجمن‌ها یا سازمان‌های مردم نهاد بین‌المللی فعال در این زمینه: می‌توان به سازمان مردم نهاد در مورد تغییرات اقلیمی^۱، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت^۲، سازمان مدیریتی حکومت زمین^۳، سازمان محیط‌زیست جهانی^۴، موسسه رشد جهانی سبز^۵، و نهایتاً برنامه محیط‌زیستی سازمان ملل^۶ اشاره نمود. مهم‌ترین خصوصیات سازمان‌های مردم نهاد، داوطلبانه بودن آن است که با توجه به نیاز جامعه ایجاد می‌شود. این سازمان‌ها با نقش واسطه‌ای خود میان مردم و دولت حوزه‌هایی از عرصه عمومی را در حیات اجتماعی جوامع تعریف کرده‌اند (قلفی، ۱۳۸۴).

1- Intergovernmental Panel On Climate Change

2- International Union for Conservation of Nature

3- Earth System Governance Project

4- Global Environment Facility

5- Global Green Growth Institute

6- United Nations Environment Programme

v. Rio Declaration on Environment and Development 1992.

گوناگون از جمله: حق بر توسعه، ایجاد فشار، حمایت‌های حقوقی و کارکرد جامعه‌پذیری، مورد بررسی قرار داد.

نتایج و بحث

مبانی تشکیل سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های مردم نهاد شامل افرادی هم هدف و داوطلب با گرایش‌های غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیراقتصادی است که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه گرد هم جمع شده‌اند و طبق ضوابط و قوانین خاصی به انجام فعالیت‌های مشخص می‌پردازند (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷). این سازمان‌ها که تبلور مشارکت مردم برای تحقق یک هدف مشترک هستند، موجب برآورده شدن نیازهای انسان‌ها در زمینه‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی می‌شوند؛ بنابراین در یک نگاه کلی، این سازمان‌ها گروه‌های فعال اجتماعی هستند که می‌توانند نمونه بسیار خوبی از انعکاس نیازها و ظرفیت‌های جامعه برای شناخت معضلات سلامت و بسیج جامعه برای حل آن باشند. بدیهی است که استفاده از ظرفیت‌های مثبت چنین گروه‌هایی می‌تواند بازوی تصمیم‌ساز مناسبی برای فعالیت‌های منجر به ارتقاء سلامت مالی و اداری باشد که هدف آن تغییر رفتارهای نابهنجار است. بدین ترتیب سازمان‌های مردم نهاد به عنوان گروه‌هایی که افراد مشارکت‌کننده در آن، از هم سویی اهداف و نگاه برخوردارند و جهت تحقق یک هدف مشترک تشکیل می‌شوند، می‌توانند نقش مهمی را در پیشگیری از وقوع جرم ایفا نمایند.

۱- ساختار سازمان‌های مردم نهاد

در بسیاری از کشورها به دلیل عمل‌گرا بودن این سازمان‌ها، دولت‌ها ترجیح می‌دهند که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از این مسیر و با این ساختار انجام شود، در واقع به دلیل درگیری دولت‌ها در عرصه سازمان‌های بین‌المللی و به دلیل اجتناب از رویارویی کشورها و نمایندگان آن‌ها با یکدیگر نقش این گونه سازمان‌ها برجسته می‌شود خصوصاً زمانی که این نوع تشکیلات به ظاهر از خود موضعی مستقل نشان دهند و در عمل علاوه بر پیشرفت ممتاز و مثبت نسبت به مسائل حاد جهانی و منطقه‌ای، موضع انتقادی و

سازنده نسبت به دولت‌های متبوع خود نیز پیدا می‌کنند. انواعی از سازمان‌های مردم نهاد در جامعه ایران در حال شکل‌گیری است که دامنه فعالیت آن‌ها روز به روز متنوع‌تر و پیچیده‌تر می‌شود که با اعمال مدیریت صحیح و استفاده از آن توانمندی‌ها می‌توان از گسترش این سازمان‌ها به عنوان یک فرصت و ابزار جهت توسعه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور نام برد و هدف از آن بررسی میزان تأثیرگذاری اقدامات این سازمان‌ها در کاهش آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌هاست.

۲- سازمان‌های مردم نهاد بین‌المللی

جامعه بین‌المللی در قالب جامعه بین‌الدولی که پس از انعقاد معاهدات وستفالی در ۱۶۴۸ میلادی شکل گرفت و با انقلاب فرانسه کاملاً پدیدار شد شاهد تحولات عمیق و پی در پی می‌باشد. این تحولات بر تمامی ابعاد زندگی خلق‌ها اثر گذاشته و نوعی احساس وحدت و وابستگی مشترک را میان آن‌ها ایجاد نموده است. آن‌چه تازگی دارد و به عنوان بارزهای از زندگی بین‌المللی فعلی در آمده است آگاهی بشر در تمام زمینه‌ها به وجود منافع مشترک است که به طور خلاصه می‌توان آن را هم‌بستگی امید و مبنای نسل یا مقوله سوم حقوق بشر نیز می‌باشد. پدیده سازماندهی جامعه بین‌المللی که یکی از ویژگی‌های عصر حاضر است نه تنها در قالب سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی تحقق یافته است بلکه با ایجاد سازمان‌های متشکل از افراد و یا گروه‌هایی از افراد از کشورهای مختلف نیز تبلور می‌یابد (سلیانی و وثوقی، ۱۳۹۶).

حقوق محیط‌زیست به معنای نوین خود در دهه ۱۹۶۰ و به ویژه بعد از فروپاشی بلوک شرق شکل گرفت. دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که آثار اقدامات مخرب محیط‌زیست محدود به یک کشور نمی‌شود و می‌تواند کل پهنه کره زمین را تحت تأثیر قرار دهد. بر همین مبنا سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی شکل گرفت. از جمله: ۱- اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست که با نام اختصاری IUCN شناخته می‌شود، سازمانی بین‌المللی با هدف حفاظت از منابع طبیعی در سراسر کره زمین است. مأموریت IUCN تأثیرگذاری، تشویق و کمک به جوامع سراسر جهان برای حفظ طبیعت و حصول اطمینان به این که هر گونه استفاده

آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.» اصل ۲۷ نیز بر آزادی تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد تأکید کرده است. در ارتباط با تفسیر اصول مزبور دو دیدگاه بایستی مورد توجه قرار گیرد. بنا به تصریح و منطوق قانون اساسی جمعیت‌ها و انجمن‌ها (شامل اصل سازمان‌های غیردولتی را نیز در برخواهد گرفت)، در انجام فعالیت خود مشروط به قیود خاص آزادند، نظارت بر رعایت اصول مزبور و تأمین شرایط مقرر نوعی نظارت پسینی است که پس از تأسیس و ایجاد سازمان‌های غیردولتی از سوی دولت اعمال می‌شود و قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد، فلذا در خصوص تأسیس و فعالیت این نوع سازمان‌ها نیازی به اخذ مجوز نیست و دولت تنها نظارت می‌کند تا سازمان‌های غیردولتی شرایط مقرر در اصل ۲۶ و ۲۷ را نقض نکنند.

در ارتباط با شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی باید گفت نظر به این که این سازمان‌ها مؤسسات و تشکیلات غیردولتی محسوب می‌شوند مستنداً به مواد ۵۸۴-۵۸۶ قانون تجارت از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص واجد شخصیت حقوقی می‌شوند. با این حال در خصوص نظارت بر فعالیت آن‌ها قانون ثبت شرکت‌ها فاقد سازوکار لازم می‌باشد و ابطال مجوز از سوی ثبت شرکت‌ها ممکن نیست بلکه قانون ابطال مجوز را به تصمیم قضایی موکول کرده است. در سال ۱۳۷۸ شورای عالی اداری مرجع صدور مجوز و نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی را دستگاه ذیربط در موضوع فعالیت آن سازمان غیردولتی دانست که این مصوبه توسط دیوان عدالت اداری ابطال گردید. در سال ۱۳۸۱ آئین نامه دیگری تنظیم شد که به منظور ساماندهی این گونه تشکیلات صدور مجوز را وزارت کشور تعیین نمود و از تاریخ تدوین این آئین‌نامه تا سال ۱۳۸۴ حدوداً ۳ مرتبه اصلاح شده است (حسینی، ۱۳۸۶).

در حال حاضر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز کسب مجوز از مراکز فرهنگی ارشاد را به منظور تأسیس مؤسسات فرهنگی لازم دانسته است. آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی در ماده ۵ خود پیش‌بینی کرده است که این گونه مؤسسات باید اظهار نامه‌ای حاوی اسم،

از منابع طبیعی و محیط‌زیست یک بهره‌گیری عادلانه و پایدار است. این سازمان در ۱۹۴۸ بنا نهاده شد و مقر آن در شهر ژنو در کشور سوئیس است. سازمان جهانی هواشناسی، سازمان بستر آب‌های بین‌المللی، صندوق جهانی طبیعت و غیره در زمره دیگر نهادهای بین‌المللی محیط‌زیست هستند. مهم‌ترین کنوانسیون‌های این بخش عبارتند از: کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی به ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون تالاب‌ها) رامسر، کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری دربارهٔ حمایت و توسعه محیط‌زیست دریایی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی کویت، کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زاید زیان بخش و دفع آن‌ها، کنوانسیون آیین اعلام رضایت قبلی برای مواد شیمیایی و آفت‌کش‌های خطرناک خاص در تجارت بین‌المللی PIC (روت‌دام)، کنوانسیون مدیریت محیط‌زیستی آلاینده‌های آلی پایدار POPs (استکهلم) و غیره (Elli, 2006).

جرم‌انگاری اقدامات مخرب محیط‌زیست در برخی معاهدات بین‌المللی نیز صراحتاً آمده است. برای نمونه مطابق بند ۴ معاهده باماکو^۸ هرگونه سرریز کردن زباله‌های رادیواکتیو ممنوع و جرم است. در نظام قانونگذاری بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست دو قاعده به عنوان قاعده پایه پذیرفته شده است: ۱- قواعد حداقلی در زمینه محیط‌زیست باید پذیرفته شود و در این خصوص همکاری دولت‌ها بهتر از تقابل آن‌ها است. ۲- مسائل منطقه‌ای باید در قانون‌گذاری بین‌المللی در نظر گرفته شود (Elli, 2006). این یک حقیقت است که حساسیت جهانی در خصوص مسایل محیط‌زیستی کمتر از حساسیت‌ها نسبت به مسائلی چون سلاح‌های اتمی، سلاح‌های شیمیایی و نظایر آن است. مثلاً بعد از جنگ جهانی دوم و مسایل مربوط به دادگاه نورنبرگ جرایم جنگی، جرایم علیه صلح و جرایم علیه بشریت در اولویت توجه جامعه جهانی قرار داشت.

۳- سازمان‌های مردم نهاد ملی

برابر اصل ۲۶ قانون اساسی: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به این که اصول استقلال،

^۸ . Bamako Convention

اقامتگاه، تابعیت، موضوع مؤسسه، مراکز، شعب و هم‌چنین نام و شهرت و اقامتگاه اشخاصی را که برای اداره مؤسسات تعیین شده‌اند تهیه نموده و پس از کسب اجازه نامه از شهرداری به اداره ثبت شرکت‌ها در تهران یا به اداره ثبت مراکز اصلی در شهرستان‌ها تسلیم نماید و در صورتی که مؤسسات خارجی باشند اداره ثبت شرکت‌ها تقاضای ثبت آن‌ها را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام و پس از موافقت آن وزارتخانه طبق مقررات اقدام به ثبت آن‌ها خواهد کرد. اکنون نیز وزارت کشور پیش نویس آئین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد را تهیه نموده است لیکن هنوز این آئین نامه به تصویب هیأت وزیران نرسیده، و واجد موجودیت حقوقی نیست با این حال توجه به رئوس و خطوط کلی این آئین نامه مفید ثمر خواهد بود. (گلشن پژوه، ۱۳۸۹).

حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری

سازمان‌های مردم نهاد (سمن) یکی از مهم‌ترین بازیگران غیردولتی می‌باشند که هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین‌المللی فعال هستند. حضور و فعالیت سمن‌ها در زمینه گوناگون موجب شده تا در عرصه داخلی قانونگذار به این امر توجه کند و وضعیت حقوقی آن‌ها را سر و سامان دهد تا به بهترین نحو از ظرفیت این بازیگران استفاده نماید. اصلاح مقررات و اتخاذ رویکردی مثبت و مناسب توسط نظام‌های ملی، امکان تأسیس سمن‌ها را تسهیل و حضور آن‌ها را در عرصه‌های مختلف تضمین می‌نماید. هدف از تأسیس این سازمان‌ها کسب سود نیست. همین ویژگی غیرانتفاعی، سمن‌ها را از شرکت‌های تجاری که به دنبال کسب سود و انتفاع هستند، جدا می‌سازد. عدم سودبری، داوطلبانه بودن و عام‌المنفعه بودن فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی یکی از معیارهای مهم برای شناخت آن‌ها و تفکیکشان از بعضی از نهادهای دیگر هم‌چون شرکت‌های فراملی می‌باشد (بیگ زاده، ۱۳۹۳). به سبب اهمیت این موضوع، قانونگذار تلاش کرده تا از ظرفیت این سازمانها استفاده حداکثری را ببرد و حمایت‌های موثری از گروه پذیر به عمل آورد. بدین منظور ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری را به مشارکت سمن‌ها در فرآیند کیفری اختصاص داد.

تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید موجب نشد تا این قانون به سرعت به مرحله اجرا گذاشته شود. در سال ۱۳۹۳ طرحی با امضای ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به منظور تمدید مهلت اجرای قانون مزبور و اصلاح موادی از آن مطرح گردید. طرح چنین موضوعی در مجلس شورای اسلامی قدری قابل تأمل بود؛ زیرا قانون آزمایشی وفق مفاد اصل ۸۵ قانون اساسی قبل از به اجرا گذاشته شدن مورد اصلاح قرار می‌گرفت. شاید چنین امری ناشی از حزم و احتیاط مجری قانون بوده است تا بتواند مقدمات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری را فراهم آورد. به هر حال در توجیه طرح تمدید اجرای قانون مذکور به وجود «موانع جدی در اجرای قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شد. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از مواد اصلاحی بود که مورد توجه قرار گرفت. علیرغم تمامی بیم و امیدهایی که نسبت به این ماده وجود داشت به این شکل تغییر کرد: «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند».

۱- طرق حضور سمن‌ها در فرآیند رسیدگی کیفری

تارو پود اصلی مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری را باید در قسمت اخیر ماده ۶۶ جستجو کرد. به عبارت دیگر، قبل از اصلاح ماده مزبور، سه موضوع به صورت متمایز مورد شناسایی قرار گرفته بود: الف- اعلام جرم؛ ب- شرکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل؛ ج- اعتراض نسبت به آراء. با تغییرات اعمال شده در سال ۱۳۹۴ تنها به اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی اکتفا و امکان اقامه دلیل و اعتراض به آراء محاکم توسط سمن‌ها حذف گردید که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- شناسایی سمن‌ها به عنوان اعلام کننده جرم

هر شخصی که شاهد وقوع جرم باشد می‌تواند مقامات صلاحیتدار را از وقوع آن جرم آگاه سازد. اعلام کننده جرم

اوصاف می‌توان ادعا کرد که سمن‌هایی که اساسنامه آن‌ها حمایت از بزه دیدگان حقیقی یا فرضی است، می‌توانند تنها به عنوان اعلام کننده جرم محسوب شوند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند (رهامی، ۱۳۸۷).

۳- شرکت سمن‌ها در تمام مراحل دادرسی

یکی دیگر از موضوعاتی که ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره می‌کند، شرکت در تمام مراحل دادرسی است. بر طبق این ماده سمن‌ها علاوه بر اعلام جرم قادر به شرکت در تمام مراحل دادرسی می‌باشند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اعلام جرم لزوماً به معنی مشارکت در تمام مراحل دادرسی هم می‌باشد؟ مراد از تمام مراحل دادرسی چیست؟ اعلام جرم لزوماً به معنی مشارکت در تمام مراحل دادرسی نیست و هیچ ملازمه‌ای بین اعلام جرم و شرکت در دادرسی وجود ندارد. بر طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «محاکات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». پس علنی بودن محاکمات اصل و غیرعلنی بودن استثنا می‌باشد. وفق اصل ۱۶۵ قانون اساسی هر شخصی می‌تواند در محاکمات شرکت کند و علنی بودن محاکمات این امکان را برای سمن‌ها فراهم می‌سازد تا بتوانند در تمام مراحل دادرسی مشارکت نمایند. قبل از اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۶۶ به این شکل بود که: «سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت نمایند».

۴- اعتراض سمن‌ها نسبت به آراء قسمت اخیر

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری امکان اعتراض سمن‌ها نسبت به آراء مراجع قضایی را به رسمیت می‌شناخت. وجود این امکان برای سمن‌ها هرگونه شک و تردید در خصوص نقش کلیدی این نهادها در فرآیند کیفری را از بین می‌برد. سمت در دعوا برای سمن‌ها با وجود این حق معنا و مفهوم پیدا می‌کرد. براساس مقررات آیین دادرسی مدنی «رونوشت دادنامه را به تعداد اصحاب دعوا تهیه و در صورتی که شخص یا وکیل یا نماینده قانونی آن‌ها حضور دارند به آنان ابلاغ نماید» (ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی).

می‌تواند بزه دیده از جرم یا شخص دیگری باشد. حال پرسش اساسی این است که آیا سمن‌ها می‌توانند به عنوان اعلام کننده جرم تلقی گردند؟ بی‌تردید پاسخ مثبت است؛ زیرا وقتی هر شخصی می‌تواند اعلام جرم نماید، دور از منطق حقوقی است که مجموعه‌ای از اشخاص حقیقی عضو یک سمن را از چنین حقی محروم کرد. شاید مهم‌ترین بحث مربوط به این موضوع باشد که آیا علاوه بر اعلام کننده جرم می‌توان سمن‌ها را به عنوان شاکی تلقی کرد. به عبارت دیگر آیا این سازمان‌ها قادر خواهند بود نقش شبه دادستان را بازی نمایند؟ آنچه که مشخص است ماده ۶۶ در صدد شاکی تلقی کردن سمن‌ها نیست؛ اگرچه قبل از تغییرات انجام شده در این ماده خیلی راحت‌تر می‌توانستیم چنین برداشتی داشته باشیم. شرکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل و اعتراض نسبت به آراء جملگی قرائنی بودند که چنین برداشتی را تقویت می‌کرد، اما حذف حق سمن‌ها برای اقامه دلیل و اعتراض نسبت به آراء موجب تضعیف تلقی سمن‌ها به عنوان شاکی گردید و با توجه به مصادیق مندرج در ماده ۶۶، در صورتی که تصمیمات و اقدامات دولت و نهادهای دولتی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در حوزه حقوق بشر و محیط زیست موجب تضییع حقوق شهروندان گردد تکلیف چیست؟ اینجاست که حق بزه دیدگان به تعقیب در مقابل تصمیمات و اقدامات دولت خودنمایی می‌کند. حق تعقیب جامعه از یک طرف و تکلیف حاکمیت به تعقیب از طرف دیگر اموری هستند که باید به صورت خاص مورد توجه قرار گیرند. نحوه نگارش ماده ۶۶ به صورتی است که مبنای اعلام جرم سمن‌ها و شرکت آن‌ها در تمام مراحل دادرسی را موقوف به اساسنامه سمن‌ها کرده است. پس سازمانی می‌تواند اعلام جرم و در دادرسی شرکت کند که اساسنامه‌اش حمایت از بزه دیدگان مندرج در ماده ۶۶ را پیش بینی کرده باشد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، به طور سنتی حقوق کیفری از بزه دیده حقیقی حمایت می‌کرد، اما با تحولات اخیر این حمایت از بزه دیده حقیقی به بزه دیده فرضی تسری پیدا کرد. در این جراثم گرچه شخص یا اشخاص خاصی مستقیماً به عنوان قربانی در معرض آسیب نیستند اما به طور غیرمستقیم آثار و عواقب ارتکاب جرائم مذکور متوجه شهروندان و جامعه است. با این

اخیر، حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یکی از پایه‌های امنیت ملی درآمده است. روند رو به رشد تخریب محیط‌زیست و گسترش آلودگی‌های محیط‌زیستی که دارای طبعی مرز گذر هستند و افزایش آگاهی‌های جهانی در خصوص تهدیداتی که با توجه به این روند تخریب و آلودگی در آینده با آن درگیر خواهیم شد، جامعه جهانی را به سمت هم‌اندیشی و اتخاذ رویه مناسب در خصوص استفاده صحیح از منابع طبیعی و همکاری دولت‌ها در حفظ آن سوق داده است که منجر به شکل‌گیری اصول متعدد از جمله اصل پیشگیری و اصل مشارکت در حوزه حقوق محیط‌زیست شده است.

۱- ماهیت مسائل محیط‌زیستی و مشارکت در آن

تنزل کیفیت محیط‌زیست امری موجود، علمی و غیرقابل انکار است. شرایط فعلی در سطح بین‌المللی و شاخه‌های موجود، بیانگر آن است که در مقابله با روند رو به رشد آلودگی‌ها و آسیب‌های ایجاد شده از جانب انسان، اقدامات صورت گرفته کاری را از پیش نبرده است و گستره مشکلات محیط‌زیستی مستلزم پاسخی جمعی به آن، در سطح ملی و گستره بین‌المللی است. دولت‌ها مجبورند تا تصمیمات مهمی را در خصوص این‌که منابع محدودمان را چگونه بایستی مورد استفاده قرار دهیم و چگونه باید از آن‌ها در مقابل انواع دست‌اندازی‌ها و آسیب‌ها محافظت نماییم اتخاذ نمایند. گزینش‌ها با توجه به ویژگی‌های حاکم بر موضوعات محیط‌زیستی؛ وجود دیدگاه‌های متفاوت در خصوص ارزش محیط‌زیست و ماهیت پاسخ‌های سبز، بسیار پیچیده خواهد بود. باوجود تمامی این اختلاف‌نظرها و دغدغه‌ها و با درک این مسأله که چقدر تصمیم‌گیری در این خصوص سخت خواهد بود، نهایتاً و لزوماً باید انتخابی آگاهانه و حداقل وجدانی صورت گیرد (Hayward, 1995). درحالی‌که به عقیده برخی، انتخاب‌های بحرانی در خصوص محیط‌زیست را نمی‌توان به شهروندانی با اطلاعات ناقص و یا نمایندگان آن‌ها سپرد و این امر بایستی منحصراً در اختیار متخصصان علوم بوم‌شناسی باشد (Eden, 1996).

اکثریت بر این باور هستند که شهروندان باید بیش از قبل در اتخاذ تصمیمات حضور داشته باشند و در فرایند حفاظت و مدیریت محیط‌زیست مشارکت فعال مردم و اهمیت به

به عبارت دیگر آراء قضایی به ذینفع و کسی که سمت در دعوا دارد ابلاغ می‌گردد، بعد از ابلاغ است که ذی‌نفع می‌تواند مطابق با مقررات نسبت به احکام و آراء صادره اعتراض نماید. یکی از شرایط اساسی و اولیه جهت شروع و ادامه دعوا در مرحله دادرسی وجود منفعت است. در واقع به لطف این نفع است که اشخاص اجازه پیدا می‌کنند تا از حقوق خود دفاع نمایند (ماده ۴ آیین‌اجرائی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴).

بر این اساس در صورتی که به سمن‌ها اجازه شرکت فعال و ارائه دلایل در تمامی مراحل دادرسی داده شد، در نتیجه حق اعتراض نسبت به آراء هم محفوظ خواهد بود. از طرف دیگر تصویب بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور می‌تواند این موضوع را تقویت کند؛ چه این‌که با محرومیت و تعلیق حق اعلام جرم برای سمن منطقه امکان اعتراض وجود خواهد داشت؛ اگرچه چنین حقی برای سمن در این بند به صورت صریح و مستقیم پیش‌بینی نشده است. مضاف بر اینکه شناسایی حق اعتراض در این خصوص در راستای دادرسی منصفانه قابل توجیه است. به هر حال اعمال و اجرای واقعی ماده ۶۶ در عمل توسط قضات و تبیین آن در رویه قضایی مشخص خواهد کرد که کدام یک از این دو استدلال اقبال بیشتری خواهند داشت (تقوی و همکاران، ۱۳۹۰).

شکل‌گیری دیدگاه‌های مشارکتی در جرایم محیط‌زیستی

محیط‌زیست به عنوان بستر رشد و تکامل بشری، پیکره واحدی است که همه اجزای آن به هم مرتبط و پیوسته است و بقا و تکامل انسان مستلزم بقا و حفظ تعادل و تناسب همه اجزا آن است. آلودگی‌ها و تخریب‌های انجام شده توسط انسان نه تنها حیات خود او بلکه حیات و موجودیت سایر عناصر طبیعت را نیز تحت تأثیر قرار داده است و در این میان، این خود انسان است که با قوه تفکر و دوراندیشی تنها موجودی است که قادر به ترمیم وضع موجود و جلوگیری از فجایع بعدی است.

مشکلات محیط‌زیستی می‌تواند مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهمی را برای دولت‌ها ایجاد نماید. طی دهه‌های

۲- رویکردهای مشارکتی یا دموکراسی محیط‌زیستی

«دموکراسی محیط‌زیستی» اشاره به نظریاتی دارد که بر مبنای آن، امور و مسائل محیط‌زیستی باید توسط تمامی کسانی که تحت تأثیر نتایج یک تصمیم‌گیری محیط‌زیستی هستند، مورد توجه و اظهارنظر قرار بگیرد، نه صرفاً توسط حکومت‌ها و صاحبان صنایع. درحالی که متفکران دارای رهیافت روش شناسانه دموکراسی را صرفاً یک نوع نظام سیاسی میدانند، برخی متفکران، دموکراسی را به عنوان یک شیوه زندگی دانسته‌اند که ابعادی فراتر از یک نظام سیاسی دارد. درواقع دموکراسی به‌عنوان «کیفیتی در نظر آمده است که بر کل زندگی و فعالیت جماعتی در سطح ملی و یا کوچکتر سایه می‌افکند» (مکفرسون، ۱۳۷۶). در یک نگاه عمیق‌تر، دموکراسی حتی یک شیوه حکومت نیست، بلکه یک فرم از اجتماع و فرآیند کنش اجتماعی و مدنی است، برای شکل‌گیری مشارکت صحیح در جامعه ابتدا باید در شناخت و آگاهی مردم از خود و توانایی‌های خود تغییر حاصل شود، سپس ساختار اجتماعی جامعه به سمت برابری بیشتر حرکت نماید. در این شیوه دموکراسی باید به عنوان یک شیوه تفکر گسترش پیدا کند (منصور انصاری، ۱۳۹۴).

مشکلات محیط‌زیستی مشکلاتی مربوط به تمامی افراد و اموری عمومی هستند و منابع محیط‌زیستی اموال عمومی هستند که همگی باید در آن احساس اشتراک کنند. در حوزه محیط‌زیست مشارکت در امور، دستیابی به حق تعیین سرنوشت و درگیر شدن با مسأله زمینی که یکی بیشتر نیست و متعلق به همه است، دارای ارزش ذاتی است (Bryner, 2001). اجمالاً باید گفت منظور از مشارکت مردمی، در اغلب موارد، فعالیت‌های هدفداری است که مردم در هماهنگی با واحدهای سیاسی و قانونی انجام می‌دهند؛ «فرایندی که در آن مردم به صورت مقطعی و یا دائمی به فعالیت‌های آگاهانه و داوطلبانه می‌پردازند که منتهی به حفاظت از محیط‌زیست خواهد شد و یا به حفاظت آن یاری خواهد رساند (امینی، ۱۳۸۷).

ایده «دموکراسی محیط‌زیستی» در میان تمامی محیط‌زیست‌گرایان، چه کسانی که دارای رویکردهای انسان‌محور هستند و چه در میان بوم‌محورها، دارای طرفدار و

مسائل دارای منفعت عمومی دارای منافع بیشماری است. بهره‌گیری از یک فرآیند «دموکراسی محیط‌زیستی» که به خوبی در سطح محلی قابل دستیابی و پیاده‌سازی است، کلید حل بسیاری از مشکلات است. البته تفکرات بوم‌شناختی و دغدغه‌های محیط‌زیستی، همواره منجر به نظریه‌های مشارکتی نشد. در دهه ۱۹۹۰ بود که با گسترش مفهوم توسعه پایدار، مشارکت مردم به عنوان یک هنجار مطرح شد (Reed, 2008).

از دهه ۱۹۹۰ دیدگاه‌های گوناگون و متفاوتی پا به عرصه موضوعات محیط‌زیستی نهاد، درحالی که همیشه در خصوص ظرفیت‌های علم و متخصصان علوم شاکاک بودند، در پی آن بودند تا با وارد کردن مردم در سیاست‌های محیط‌زیستی جایگزین‌های دموکراتیک قوی، با یک تحول تدریجی ارائه دهند. نظریه مشارکت مردم به تدریج تبدیل به رویکردی غالب در عرصه محیط‌زیست هم در گستره بین‌المللی و هم ملی گردید.

نکته قابل ذکر در شکل دهی سیاست‌تقنینی و قضایی این است که اساساً توسعه کشور و حرکت در مسیر صنعتی شدن بدون صدمه به محیط‌زیست غیرممکن است. بنابراین حتی در کشورهای پیشرفته از جمله ایالات متحده سیاست کلی تعطیلی و توقف فعالیت‌های آلاینده نیست. بلکه باید بین ضرورت صدمه حداقلی به محیط‌زیست و تداوم جریان صنعتی شدن و توسعه به نحوی تعادل برقرار شود. در عین حال شروع به فعالیت اقدامات آلاینده جدی موقوف به اخذ مجوزهای لازم است. به عبارتی بین فعالیت‌های سابق و فعالیت‌های جدید از این حیث تفاوت وجود دارد.

یکی از طرق جبران خسارت محیط‌زیستی الزام به اخذ بیمه جهت جبران خسارت به محیط‌زیست است. در ایالات متحده اخذ بیمه نامه معتبر در زمره شروط تجویز فعالیت‌هایی است که احتمال صدمه به محیط‌زیست را دارد (Elli, 2006). در این خصوص پیشنهاد می‌شود همین راه حل در کشور ما نیز پذیرفته شود. زیرا در عمل دیده می‌شود دعاوی حقوقی یا کیفری مطروحه علیه شرکت‌های آلاینده محیط‌زیست به علت فقدان نقدینگی کافی در اجرا با مشکل مواجه می‌شود.

۱- فقدان ضمانت اجرا در قبال اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی

ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده (۲۰) این قانون ضمانت اجرای مختلفی (از مصادره اموال تا انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها) را در قبال جرائم اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. بنابراین، تبصره ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی دولتی و اشخاص عمومی غیردولتی را در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند از شمول ضمانت اجرای ماده (۲۰) مستثنا دانسته است. هرچند پیش‌بینی مفاد این تبصره در مقام مرتفع کردن دغدغه مقنن در تداوم اعمال دولتی و حاکمیتی به نظر می‌رسد اما نمی‌توان از نظر دور داشت که بسیاری از آسیب‌های حوزه محیط‌زیست و هوا می‌تواند ناشی از اقدامات سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی یا عمومی از جمله تولیدکنندگان خودرو و کارخانجات تولیدی و غیره باشد که در عرصه صنایع و تأمین انرژی کلان کشور متصدی هستند و فقدان هرگونه ضمانت اجرای قابل اعمال درخصوص این دسته از اشخاص حقوقی محل تأمل است. از این رو، هرچند اعمال برخی ضمانت اجراها مانند انحلال و یا مصادره اموال معارض با ماهیت اشخاص حقوقی دولتی است، اما اعمال گونه‌هایی از این ضمانت اجراها مانند انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها، می‌تواند جلوه‌ای از مسئولیت دولت در قبال مخاطرات هوا باشد که ایجاد آن به هیأت دولت یا سیاست‌های کلان یک ارگان دولتی منتسب است (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۴).

برای مثال، به موجب تبصره ذیل ماده ۱۷ قانون هوای پاک نیز صراحتاً برای اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی مسؤولیت کیفری از نوع جزای نقدی و در صورت تکرار علاوه بر جزای نقدی تعطیلی موقت نیز پیش‌بینی شده است. تبصره ماده ۱۷ قانون مرقوم بیان می‌دارد: «مالکان، مسؤولان یا روسای مراکز اداری، بهداشتی، درمانی، خدماتی، عمومی و تجاری که موجبات آلودگی هوا را فراهم کنند در صورتی که پس از یک مرتبه تذکر کتبی توسط سازمان اقدامی برای رفع

به‌عنوان روش مناسب در حال گسترش و تکامل تدریجی است. حمایت محیط‌زیست‌گرایان از این ایده گاه ابزارگرایانه و فایده محور و گاه ارزش محور است. با این وجود، این نظریات هم‌چنان مخالفانی دارد. در مجموع، نظریه پردازان «رهیافت خردگرا» در مقابل «رهیافت‌های بر پایه اجماع»، معتقدند که متخصصان علوم محیط‌زیستی بهترین کسانی هستند که می‌توانند در خصوص تصمیمات و شیوه بهره‌گیری از محیط زیست نظر دهند. علم به همان شکل که نخستین مرجعی است که ما را از وجود خطر و آسیب‌های محیط‌زیستی آگاه می‌کند؛ خود نیز می‌تواند با احاطه بر موضوع بهترین راه‌حل و شیوه اقدام را به ما بیاموزد (Eden, 1996).

در مقابل، گفته می‌شود علاوه بر عدم قطعیت علمی در امور محیط زیستی، متخصصان از میزان توجه و اهمیتی که مردم، در مقابل توسعه اقتصادی به محیط زیستشان می‌دهند، آگاهی کافی ندارند. هم‌چنین فرایندی که از آن به عنوان سیاسی سازی علم یاد می‌شود، به ناچار موجب کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌های دولتی مبتنی بر نظرات علمی می‌شود (بنتهام، ۱۳۸۹).

تعامل کنشگران دولتی با سمن‌های مردم نهاد

امروزه، موضوع همکاری بخش اول (دولت) با بخش سوم (جامعه مدنی)، مبتنی بر شبکه‌سازی و ساختاردهی به شبکه‌های خط مشی، در کانون توجه قرار گرفته، نقش دولت نه به منزله قدرت فائقه و مسلط و نه به منزله پاورزن یا سکاندار، بلکه به منزله یک میانجی در شبکه ذی‌نفعان باز تعریف می‌شود (رعنایی و مرتضوی، ۱۳۹۱).

یکی از گروه‌های مهم در سازمان‌های بخش سوم، سازمان‌های مردم نهاد هستند، که در قرن بیست و یکم، شاهد رشد سریع آن‌ها در بیشتر کشورها بوده‌ایم. سازمان‌های مردم نهاد، برای جامعه هدفی که دغدغه آن را دارند «سخن می‌گویند»، اقدام می‌کنند و از منافع آن محافظت می‌کنند. برخی از این سازمان‌ها، عملیاتی بوده، هدف اصلیشان طراحی و اجرای پروژه‌های مرتبط با توسعه است. درحالی‌که دسته دیگر، سازمان‌های حمایت‌گیر هستند که هدف اصلی آن‌ها دفاع یا ارتقاء یک مطالبه و تأثیرگذاری بر خط مشی‌ها و رویه‌هاست (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۶).

دغدغه‌های محیط‌زیستی بسیاری از مردم، پنهان ماندن بسیاری از این جرائم از دید عموم و عدم درک از اهمیت آن، نسبت به گزارش این جرائم اقدام نمی‌کنند؛ در نتیجه به نظر می‌رسد که جهات عام شروع به تعقیب فاقد کارایی مورد انتظار در جرائم محیط‌زیستی باشد و پیش‌بینی ضابطان خاص و افزایش اختیارات مقامات نظارتی در این حوزه از ضرورت‌های انکار نشدنی در کشف و تعقیب جرائم این حوزه است (ناجی زواره، ۱۳۹۴).

مثلاً، در ماده ۳۱ قانون هوای پاک آمده است «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و یگان حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست مکلفند به عنوان ضوابط دادگستری، در موارد وقوع جرایم مشهود مذکور در این قانون رأساً یا در صورت اعلام سازمان یا با اطلاع از وقوع جرایم غیر مشهود مندرج در این قانون با نظر دادستان شهرستان ذی‌ربط اقدام لازم را در چهارچوب قوانین و مقررات با واحدهای آلوده کننده یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مربوط به عمل آورند». لذا به نظر می‌رسد ماده مرقوم ضمن بیان جهات شروع به تعقیب جرایم غیر مشهود، یگان حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست را به عنوان ضابط خاص جرایم این حوزه معرفی نموده است.

ضمن آن که در تبصره ۱ ماده ۳۲ قانون مزبور صراحتاً آن دسته از کارکنان سازمان حفاظت از محیط‌زیست که دوره آموزشی ضابط دادگستری را زیر نظر دادستان مربوط طی کرده باشند را ضابط دادگستری در جرایم قانون هوای پاک معرفی نموده است لکن اشاره و تصریحی به لزوم طی دوره‌های آموزش تخصصی حفاظت از هوا و آلودگی آن ننموده است.

رویکردهای پیشگیرانه در جرایم محیط‌زیستی

توسعه لجام گسیخته صنعتی، طبیعت را دگرگون ساخته و صدمات جبران ناپذیری بر محیط‌زیست بشری وارد کرده است. بدین سبب، اتخاذ تدابیری در سطح ملی و بین‌المللی به‌عنوان یکی از اقدامات مهم، در دستور کار بسیاری از کشورها قرار گرفته است؛ در این راستا نیز تاکنون کنفرانس‌های بسیاری برگزار شده است. یکی از سازوکارهای عمده و تعیین‌کننده در جهت تحقق این مهم، شناسایی و

آلودگی در مهلت مقرر انجام ندهند به جزای نقدی درجه ۸ موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی حسب مورد محکوم می‌شوند و در صورت تکرار علاوه بر حداکثر جزای نقدی مذکور با درخواست سازمان و حکم مرجع قضایی به تعطیلی موقت از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می‌شوند».

۲- ناکارآمدی جهات عام شروع به تعقیب در جرایم محیط‌زیستی

کشف جرم و شروع به تعقیب متهم در زمره مراحل اساسی دادرسی محسوب می‌شود که نیازمند تخصیص نهادهای قدرتمند است. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران این جهات در ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برشمرده شده است. طبق این ماده: «جهت قانونی شروع به تعقیب به شرح ذیل است: الف) شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، ب) اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موقت و مطمئن، پ) وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس، ت) اظهار و اقرار متهم، ث) اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر».

ملاحظه می‌شود که بسیاری از این جهات، فاقد کارایی لازم درخصوص جرائم زیست محیطی است که خود به افزایش رقم خاکستری و رقم سیاه بزهکاری منجر می‌شود. درخصوص شکایت شاکی، بزه دیده بسیاری از این گونه جرایم ممکن است هرگز مشخص نشود و اساساً خود شخص بزه دیده نیز درکی از قربانی شدن خویش نداشته باشد مانند شخصی که بر اثر آلودگی هوا مبتلا به بیماری آسم می‌شود. ازسوی دیگر، در بسیاری از جرائم به دلیل تخصصی بودن، آشکار نبودن بسیاری از جرائم، عدم آشنایی ضابطان و عام بودن وظایف ایشان، درصد کمی از این جرائم توسط ضابطان امکان کشف و اعلام جرم (براساس گزارش ضابطان دادگستری) دارد و اختیارات ضابطان خاص در حوزه این جرائم نیز به صورت محدود بوده و درصد کمی از جرائم را پوشش می‌دهد. علاوه بر این ماهیت بسیاری از این جرائم، امکان مشهود بودن آن در برابر مقام قضایی را سلب می‌کند و همین موضوع در منابع اطلاع دادستان از وقوع جرم نیز مؤثر است (قوم، ۱۳۸۵).

درخصوص اعلام جرم اشخاص ثالث و عموم مردم موضوع ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری نیز به دلیل نداشتن

موجودیت و اهلیت حقوقی آن را مطابق ماده ۵ به ثبت موکول نموده است؛ درحالی‌که در قانون مدنی سوئیس انجمن‌ها به محض تشکیل دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و نیازی به ثبت ندارند (بیگ زاده، ۱۳۹۳).

۲- ظرفیت‌ها و شیوه‌های پیشگیری کیفری

• نقش حقوق کیفری

تمامی شاخه‌های حقوقی از جمله حقوق جزا به عنوان فرایندی برای نیل به کنترل اجتماعی ابداع شده‌اند. هدف آن‌ها کنترل و تنظیم رفتار و فعالیت‌های افراد در جامعه است. اما حقوق جزا با سایر رشته‌های حقوقی تفاوت دارد. این تفاوت بدین ترتیب است که حقوق جزا علیه کسانی که (دستورات) آن را نقض می‌نماید از «مجازات‌های خفت بار» استفاده می‌کند. با توجه به این‌که مجازات‌های تردیلی و تریبی فقط در حقوق جزا به کار رفته و در سایر رشته‌های حقوقی از مجازات‌ها و مکانیزم‌های دیگر استفاده می‌شود، ایجاب می‌نماید که استفاده از حقوق جزا محدود به مواردی شود که اهمیت زیادی برای جامعه دارد و یا این که استفاده از سایر حوزه‌های حقوقی و اداری در آن مورد، مفید و مؤثر نباشد. بنابراین در جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و داشتن محیط‌زیست سالم اگر بتوان برای کنترل رفتار افراد جامعه از حقوق اداری و یا سایر رشته‌های ملایم حقوقی استفاده کرده و آن‌ها را تنظیم نمود، در این صورت نه تنها استفاده از حقوق جزا صحیح نمی‌باشد، بلکه چه بسا در موارد زیادی مضر و خطرناک نیز می‌باشد. در واقع حقوق جزا به عنوان آخرین حد به خشن‌ترین ابزار کنترلی می‌تواند به کار گرفته شود (حیدرزاده و مظفری زاده، ۱۳۹۲).

• ضرورت حمایت جزایی

سؤال این است که آیا ضرورت دارد برای حمایت از محیط زیست از ابزار حقوق جزا و مجازات استفاده نماییم یا خیر؟ و آیا برای حمایت می‌توان تنها از سایر حوزه‌ها و رشته‌های حقوق همانند حقوق اداری یا مدنی استفاده نمود، بدون این که نیازی به به کارگیری حقوق جزا باشد؟ دولت‌ها هر وقت با یک پدیده خطرناک مواجه می‌شوند، نگران می‌گردند و معمولاً برای مقابله با آن به وضع قوانین کیفری متوسل می‌شوند و غالباً تصور می‌کنند که با وضع قوانین جدید

نقشدهی به سازمان‌های غیردولتی در مسائل محیط‌زیستی است.

اصل پیشگیری یکی از مهم‌ترین اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد و به عنوان قاعده طلایی^۹، در این حوزه تلقی می‌گردد. تحقق اهداف عالی محیط‌زیستی بدون توجه به نقش سازمان‌های غیردولتی در مراحل مختلف شکل‌گیری هنجارهای محیط‌زیستی و نظارت و اجرای آن‌ها دشوار است. اجتماعی بودن پدیده جرم ایجاب می‌کند تا حتی‌المقدور برای پیشگیری و سرکوب جرایم از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی استفاده شود. مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرآیند کیفری یکی از این ظرفیت‌ها تلقی می‌شود؛ امری که می‌تواند در توفیق برنامه‌های پیشگیری در جامعه مؤثر باشد. بنابراین، رویکرد مشارکتی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه می‌تواند از وقوع بسیاری از جرایم محیط‌زیستی جلوگیری کند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰).

۱- ظرفیت‌ها و شیوه‌های پیشگیری غیرکیفری

این نهادها به غیر از ثبت، دارای کلیه مؤلفه‌های مربوط به یک سازمان غیردولتی بوده‌اند. در حقوق ایران شاید بتوان قانون تجارت و آیین نامه ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۷۷ را نخستین قرراتی دانست که سازمان‌های غیردولتی را تعریف کرده‌اند. بعضی از کشورها مانند فرانسه و سوئیس در این حوزه پیشگام بوده‌اند؛ به نحوی که بیش از یک قرن است که وضعیت این سازمان‌ها را به حیطه قانونگذاری درآورده‌اند (رشیدپور، ۱۳۸۲).

برای مثال فرانسه با تصویب قانون مربوط به انجمن‌ها در اول ژوئیه ۱۹۰۱ تلاش کرد تا شکلگیری و تأسیس این سازمان‌ها را نظام‌مند کند. ماده یک این قانون اشعار می‌دارد: «انجمن قراردادی است که طبق آن دو یا چند شخص دانسته‌ها و فعالیت‌های خود را به طور دائمی در راه نیل به هدفی غیر از کسب منفعت در میان می‌نهند. در این ماده برخی از عناصر ساختی سازمان غیردولتی مانند ماهیت خصوصی، غیرانتفاعی بودن و استمرار و تداوم فعالیت‌ها است. ماده مذکور تنها تعریفی از انجمن به دست داده و

^۹- Golden Rule

با این وجود نباید تصور نمود که تخصصی کردن شعب فقط در دادگاه‌های عمومی و انقلاب انجام می‌شود، بلکه در حقوق ایران شعب محاکم اختصاصی را نیز می‌توان بر اساس تخصص و تجربه و برای بهتر انجام شدن امور به شعب تخصصی تقسیم نمود؛ مثلاً در مورد شورای حل اختلاف تاکنون تقسیم کار بین شعب انجام شده و چندین نوع شعب تخصصی شورای حل اختلاف تشکیل شده است از جمله این شعب می‌توان به شورای حل اختلاف برای حل و فصل اختلافات ناشی از جرائم اطفال، شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات، شورای حل اختلاف مستقر در بازداشتگاه‌های موقت و شورای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری اشاره نمود (خالقی، ۱۳۹۴). از قاعده رجوع به خبره نیز تخصصی شدن دادرها و دادگاه‌ها قابل استنباط است، چراکه در جرائم محیط‌زیستی که از پیچیدگی‌های خاصی برخوردارند قضات و ضابطین تخصصی، اهل خبره و متخصص محسوب می‌شوند. در خصوص مبانی حقوقی نیز که بنیان‌های افتراقی شدن رسیدگی‌ها در این دسته از جرائم هستند می‌توان به جهانی شدن و لزوم دادرسی عادلانه اشاره نمود. جهانی شدن به ما می‌آموزد که از سایر نظام‌های حقوقی که افتراقی‌سازی در حوزه این دسته از جرائم را تحقق بخشیده‌اند، الگو برداریم و آن را در نظام حقوقی خویش بومی‌سازی کنیم. برخورداری از دادرسی عادلانه نیز که از مؤلفه‌های خاص و متعددی تبعیت می‌کند، افتراقی شدن رسیدگی به جرائم محیط‌زیستی را عادلانه‌تر از زمانی می‌داند که نظام دادرسی یکپارچه بود، چراکه قاضی متخصص و جلوگیری از اطاله دادرسی با افتراقی‌شدن رسیدگی‌ها امکان‌پذیر است.

۲- تدوین مقرره‌های حمایتی

جرائم محیط‌زیستی، از مهم‌ترین جرائمی هستند که ناقض حق بنیادین بشری، حق بر محیط‌زیست سالم است که امروزه با پیشرفت علوم و فنون تکنولوژی، شاهد فنی و تخصصی و گسترده شدن جرائم در این حوزه هستیم، لذا سیستم عدالت کیفری در مقام حمایت از این حق بنیادین بشری، بایستی پاسخی درخور توجه و مناسب در قبال این دسته از جرائم فنی و تخصصی بدهد. شاید در زمان‌های دور در مرحله رسیدگی به جرائم، شاهد یک‌پارچگی سیستم

کیفری، مشکل حل خواهد شد. وضع قوانین کیفری در طی دو یا سه دهه گذشته به منظور حفاظت محیط‌زیست نمونه بارزی از این طرز تفکر به شمار می‌رود. ولی از آن موقع تاکنون این فرصت وجود داشته که بتوان مناسب‌ترین و مؤثرترین طریق برای حفاظت محیط‌زیست را تشخیص داد. برخی معتقدند هرچند قوانین کیفری در این خصوص نقشی را ایفا می‌کند ولی از آن جایی که در این زمینه مشکل اساسی عبارت است از تنظیم قانونی فعالیت‌های مؤسسات تولیدی نسبتاً بزرگ، لذا مؤثرترین وسیله برای نیل به این منظور تعیین معیارهای دقیق مربوط به پخش و نشر مواد آلوده کننده و نیز معیارهای مشخصات و به کار بردن این معیارها از طریق مقررات اداری می‌باشد. قوانین کیفری نقش محدودی را در این زمینه ایفا می‌کنند و همین نقش محدود را هم توأماً با اجرای مقررات اداری ایفا می‌نمایند (ریوچی، ۱۳۸۵).

• راه‌های پاسخ به جرایم زیست محیطی

هر کشوری در زمینه حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست و مسؤول است. اما حفاظت از محیط‌زیست به طور حتم نمی‌تواند محدود به دورن سرزمین‌ها و مرزها باشد و جلوگیری از جرائم محیط‌زیستی حل مشکلات مربوط به آن نیازمند همکاری مشترک ملت‌ها و دولت‌های مختلف است. آن‌گاه که نتایج زیان بار اقدامات یک دولت بر هوای منطقه از مرزهای ملی و حتی منطقه نیز فراتر می‌رود و به جایی می‌رسد که تمامی دولت‌های جهان و جامعه بین‌المللی را به دلیل تأثیرگذاری بر محیط‌زیست جهانی در بر می‌گیرد، در این مرحله نگرانی از آسیب‌های محیط‌زیستی با منافع یک یا چند دولت ارتباط ندارد. در این جاست که مشخص می‌شود حفاظت از محیط‌زیست فراتر از صلاحیت یک دولت است و نیازمند همکاری گسترده جهانی است (حبیبی، ۱۳۸۲).

پیش زمینه‌های تحقق مشارکت در پاسخ‌های کیفری

۱- ایجاد مراجع قضایی مستقل و تخصصی

در حقوق شکلی ایران وقتی سخن از محکمه با صلاحیت تخصصی به میان می‌آید، در واقع بحث از شعبی از دادگاه‌های عمومی است که بر اساس تقسیم کار و به موجب تخصص به نوع خاصی از دعاوی یا جرائم رسیدگی می‌نماید.

حقوق نامبرده، دو مورد است که تا اندازه‌های در بردارنده حقوق شاکی است (کوشکی، ۱۳۹۲).

در تبصره ۲ ماده فوق‌الذکر نیز چنین آمده است: «ضابطان دادگستری و مقامات قضائی مکلفند بزه دیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم نهاد مربوطه، آگاه کنند».

از این تبصره نیز چنین برمی‌آید که نقش این نهادهای اجتماعی و غیردولتی و البته غیر قضائی در زمینه اعلام جرم و حتی تعقیب جرم تا بدان حد اساسی و تعیین‌کننده در نظر گرفته شده است که حتی اگر جرمی از جرایم موضوع این ماده که همگی جزو جرایم با آثار اجتماعی (به‌ویژه نسبت به بخش آسیب‌پذیر جامعه و هم‌چنین موارد خاص) امور بهداشتی و سلامت و غیره به شمار می‌روند، بدون اطلاع نهادها و سازمان‌های مذکور در ماده فوق صورت بگیرند و توسط حتی نهادهای قضائی از جمله ضابطان دادگستری کشف گردند، باز باید بدین نهادها در این زمینه اطلاع رسانی صورت گیرد و این نهادها را نیز در تعقیب و تحقیق کیفری عاملان ارتکاب این جرایم سهیم و شریک کرد. البته نباید فراموش کرد که با وجود این ماده، اما همچنان وظیفه تعقیب کیفری تمام بر عهده دادسرا و به طور خاص دادستان است و سازمان‌های مذکور در واقع نوعی نقش شاکی و یا اعلام‌کننده جرم را ایفا می‌کنند. در واقع به نظر می‌رسد که سازمان‌های مزبور از حیث شکایت در زمره شکات خصوصی و از حیث مطالبه ضرر و زیان به عنوان مدعی خصوصی، ولو با وجود هویت آن‌ها به عنوان یک شخصیت حقوقی غیردولتی محسوب می‌گردند. در ادامه این ماده در تبصره ۳ مقرر شده است که: «اسامی سازمان‌های مردم نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزارت کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد».

اسامی این گونه سازمان‌های مردم نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، مطابق تبصره فوق‌الذکر در ۳ ماه ابتدای هر سال از سوی وزیر دادگستری، با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. در حقیقت هر یک از سازمان‌های مردم نهاد فوق

عدالت کیفری بودیم و همین یکپارچگی در آن زمان سیستمی مناسب تلقی می‌شد، اما امروزه با فنی و تخصصی شدن برخی از جرائم، عدالت کیفری ایجاب می‌کند تا آن یکپارچگی در موارد ضروری برچیده شود و در قبال جرائم فنی و تخصصی، پاسخ‌ها و تشکیلات سیستم عدالت کیفری نیز فنی و تخصصی شود.

آیین دادرسی افتراقی در واکنش به جرایم محیط‌زیستی

امروزه افتراقی شدن در حوزه دادرسی کیفری نه تنها امری مفید بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از حوزه‌هایی که لزوم افتراقی شدن به رسیدگی‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود، جرائم محیط‌زیستی است. جرائم محیط‌زیستی که به دنبال صنعتی شدن جوامع، شکلی مدرن به خود گرفتند، امکان تحقق آنها در قلب یک جرم تروریستی نیز تحقق پیدا کرد، از این رو برخی از کشورها هم‌چون فرانسه در نظام تقنینی خود جرمی به نام تروریسم محیط‌زیستی را پیش بینی نمود و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز به مناسبت افتراقی‌سازی در حوزه رسیدگی به این دسته از جرائم ذیل جرائم تروریستی، تحقق پیدا کرد و به این طریق آیین دادرسی آن از آیین دادرسی جرم محیط‌زیستی متفاوت شد، چراکه آیین دادرسی کیفری حاکم بر جرائم زیست محیطی تخصصی است و به موازات دادرسی عمومی، به مناسبت قاضی، ضابطین، دادسراها و دادگاه‌های تخصصی شکل می‌گیرند.

۱- مشارکتی شدن کشف و اعلام

بر اساس ماده ۶۶، نقش متمایز و متفاوتی برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی تهیه و تدارک دیده شده است. از یک سو نمی‌توان این سازمان‌ها را اعلام‌کننده صرف به شمار آورد زیرا اعلام‌کننده جرم با اعلام مراتب جرم به مقامات ذی‌صلاح، تکلیفش پایان می‌پذیرد و در فرآیند دادرسی کیفری دارای حق اعتراض یا سایر حقوق پیش‌بینی شده برای شاکی نیست. حال آن‌که بر اساس ماده بالا، افزون بر اعلام جرم، حقوقی برای سازمان‌های غیردولتی پیش‌بینی شده است که در واقع این حقوق متعلق به شاکی است.

سلامت ۱۰ و برخورداری از بهداشت تأکید دارد. ماده ۲ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ ریاست جمهوری نیز حق بر سلامت را یکی از حقوق هر ایرانی اعلام کرده است. موضوع جرائم محیط‌زیستی و مباحث مربوط به بیابان‌زایی از مهمترین معضلاتی است که انسان معاصر را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده و سلامتی آن‌ها را با خطراتی روبرو ساخته است. این مسأله از آن جهت دارای اهمیت است، که علائم تهدید کننده حیات، آشکار شده و نسل حاضر و آینده را به دلیل گسترش جرائم محیط‌زیستی، محیط‌زیست و سلامت آن را با تهدید مواجه ساخته است. از سوی دیگر، انسان بدون داشتن محیط‌زیستی امن و سالم، قادر نخواهد بود به زندگی طبیعی خود ادامه دهد.

امروزه در جامعه ما مثل بقیه جوامع، متأسفانه شاهد افزایش جرایم محیط‌زیستی هستیم و این افزایش جرایم می‌تواند علل متعددی داشته باشد که یکی از علل آن مقررات مربوط به جرایم محیط‌زیستی است. توسل به قانون و کمک گرفتن از حقوق کیفری، یکی از ابزارهای مؤثر در حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از جرایم محیط‌زیستی است که در بسیاری از کشورها نیز تجربه شده است. اما باید گفت که به زعم تنوع و تعدد قوانین در خصوص حفاظت و پیشگیری از این نوع جرایم، متأسفانه اقدامات موثری واقع نشده است. عوامل مؤثر در وقوع جرایم زیست محیطی را می‌توان تشدت، پراکندگی و عدم انسجام قوانین، عدم کفایت جرائم مانع در این حوزه و عدم تناسب مجازات‌ها با جرائم ارتكابی از جهت فقدان وصف ارباب آمیز بودن و قدرت بازدارندگی دانست، به طوری که مرتکبان جرائم محیط‌زیستی را در ادامه فعالیت مجرمانه خود جسورتر می‌کند، که همین امر باعث افزایش نرخ و آمار جرایم محیط‌زیستی می‌باشد. در اصول پیشگیری از جرائم زیست محیطی به دو روش پیشگیری کیفری و غیرکیفری اشاره شد که در این زمینه به نظر می‌رسد با توجه شرایط هر کدام از این روش‌ها برای پیشگیری از جرائم زیست محیطی مفید واقع شود، اما در نهایت پیشگیری غیرکیفری

الذکر می‌توانند در زمینه فعالیت مربوط به خود که در اساسنامه آن‌ها مشخص شده به هر طریق که متوجه وقوع جرمی شوند، جرم ارتكابی را اعلام کرده و به علاوه، همانند مشتکی عنه در دادرسی نیز شرکت کنند. از آن‌جا که برخی افراد به دلیل ناتوانی‌هایی که دارند، همواره در هر اجتماعی مورد حمایت خاص قانونگذار هستند، تبصره یک ماده ۶۶ مقرر کرده است که در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی برای اقدام مطابق این ماده ضروری است. در نظام حقوقی ایران، یکی از مقررات قانونی که به جایگاه سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی پرداخته است آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴ هیأت وزیران است. بنابر ماده ۱۶ آیین‌نامه مورد اشاره «سازمان حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی، علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا نماید».

بر اساس این ماده، سازمان‌های غیردولتی مجاز خواهند بود که بر اساس موضوع فعالیت خود در مراجع قضایی نسبت به اقامه دعوا مبادرت کنند (کوشکی، ۱۳۹۲).

۲- مشارکتی شدن اقامه دعوا و مرحله رسیدگی

در این خصوص، تأکید برافزایش خطرات جرم از طریق افزایش احتمال تعقیب و اقامه دعوا در جهت انصراف مجرمان از ارتكاب جرم است. اگر مجرم محیط‌زیستی احتمال تعقیب در جرم را بدهد به بررسی هزینه-فایده می‌پردازد. مشارکتی شدن در رسیدگی به این دسته از جرائم با توجه به اینکه لازمه‌اش وجود ضابطان متعدد و تخصصی، دادسرا و دادگاه ویژه با قضات متخصص است، احتمال تعقیب را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

سلامت فردی یا حق بر سلامت، به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کرامت انسانی محسوب می‌شود. از این روی حق بر سلامت به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام‌های مختلف حقوقی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و قانون اساسی ایران در اصل ۳ (بند ۱۲)، ۲۹ و ۴۳ بر حق بر

شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، پیش بینی مجازات‌ها متناسب با جرم و دارای بازدارندگی مناسب به طوری که از تکرار جرم جلوگیری نماید. افزایش و بهره‌گیری هر چه بیشتر از ظرفیت‌های تشکلی غیردولتی در زمینه پیشگیری از جرم آلودگی هوا و جلب مشارکت‌های مردمی در این نهاد و تشکلیها. ایجاد زمینه مداخله سمن‌ها در فرآیند دادرسی‌های حقوقی و کیفری. فرهنگ‌سازی و آگاه ساختن جامعه از اهمیت داشتن محیط زیست و شناساندن عواقب جرایم آن با بهره‌گیری از برنامه‌های صدا و سیما و رسانه‌های جمعی. تعیین و پیش‌بینی ضمانت اجرای کارآمد و بازدارنده در قبال فعالیت اشخاص دولتی و عمومی. تخصیص ردیف بودجه‌ای از بودجه سازمان و بودجه کل کشور برای رسانه‌های گروهی و تشویق آن‌ها در جهت تهیه و ارائه و پخش مستندات آموزشی - علمی در خصوص آلودگی هوا آگاه نمودن اقشار جامعه از عواقب آن و آموزش در جهت حفاظت از هوای پاک. ایجاد بیمه یا صندوق خاص برای جبران خسارات وارده به محیط‌زیست و الزام شرکت‌های آلاینده جهت دریافت بیمه نامه.

منابع

۱. امینی، م.، ۱۳۸۷. حقوق بشر در هزاره جدید، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲. بیگزاده، ا.، ۱۳۹۳. سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱.
۳. پورباقرانی، ح. و همتی، م.، ۱۳۹۴. نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۸۷.
۴. پورعزت، ع.، خانیکی، ه.، یزدانی، ح. و مختاری، ب.، ۱۳۹۶. شناسایی راهبردهای بخش دولتی در مواجهه با سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران؛ مطالعه موردی: حوزه محیط زیست و منابع طبیعی،

با سیاست‌های مشارکتی مردمی و فرهنگ‌سازی بین‌احاد مردم جوامع، نقش پررنگ‌تری ایفا می‌نماید. از آن‌جا که محیط‌زیست سالم یک خیر مشترک و اقدام به آن از مصادیق واقعی امر به معروف و جلوگیری از خسارات هم از مصادیق نهی از منکر است و حق بر محیط‌زیست سالم هم یک حق شهروندی است که هم دارای ابعاد فردی و هم دارای ابعاد جمعی است و آسیب و خسارات به محیط‌زیست دارای آثار زیانبار و در برخی موارد حتی جبران‌ناپذیر بر کل پیکره طبیعت و حیات فردی و جمعی می‌شود، لذا با معیار احراز تقصیر نمی‌توان حمایت مناسبی از محیط‌زیست نمود و باید مسؤولیت محض عامل یا عاملان زیان به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی در این حوزه مدنظر قرار گیرد. نقش قوه قضائیه در حوزه محیط‌زیست شامل نظارت و پیشگیری فراگیر و فعالانه (نظارت بر حسن جریان امور و حسن اجرای قوانین در ادارات عمومی و دولتی)، تعقیب فراگیر و فعالانه و جبران‌های قضایی مؤثر می‌باشد. عمده نقیصه فعلی عدم پیش‌بینی حق اقامه دعوی کیفری و حقوقی برای سمن‌ها است. موضوع دیگر فقدان بازدارندگی ضمانت اجراهای کیفری جرایم محیط‌زیستی است. در عمل نیز مراجع قضایی با رویکرد ارفاقی با مرتکبین این قبیل جرایم برخورد می‌کنند. از منظر فرهنگی نیز اهمیت محیط‌زیست هنوز به میزان لازم برای مردم تبیین نگردید و اهمیت این موضوع در پیش‌گیری و کشف جرایم محیط‌زیستی پوشیده نیست. در حال حاضر سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام کیفری ایران جهت پیشگیری از جرایم محیط‌زیستی با استفاده از ایجاد حساسیت عمومی و رسانه‌ای و امر به معروف و نهی از منکر توانسته‌اند تأثیری فراتر از سیاست جنایی و کیفری در این زمینه داشته باشند. در خاتمه موارد زیر به عنوان پیشنهادها کاربردی ارائه می‌گردد:

تشکیل محاکم اختصاصی - تخصصی و یا حداقل اختصاص شعبه‌ای محاکم دادگستری جهت رسیدگی به جرایم مرتبط با این حوزه. استفاده از ضابطین خاص و آموزش دیده در جهت کشف و تعقیب جرایم زیست محیطی.

- فصلنامه علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۲، صفحات ۹۱ تا ۱۱۶.
۵. تقوی، س.ج. صیامی نمین، ف.، کتابدار، م. و حیدری ساری، م.، ۱۳۹۰. نقش تشکل‌های مردم نهاد در نظارت بر بازار، شرکت چاپ و نشر بازگانی، تهران. ۱۶۸ صفحه.
 ۶. حبیبی، م.، ۱۳۸۲. حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰.
 ۷. حسینی، س. م.، ۱۳۸۶. سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۸. حیدرزاده، ا. و مظفری زاده، س.، ۱۳۹۲. پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، اخلاق زیستی، شماره ۷.
 ۹. خالقی، ع.، ۱۳۹۴. آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، تهران.
 ۱۰. رشیدپور، ل.، ۱۳۸۲. بررسی و تحلیل عملکرد تشکل‌های غیردولتی زیست‌محیطی در سال ۱۳۸۲، دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست، تهران.
 ۱۱. رمضانی قوام آبادی، م.، ۱۳۸۷. حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی، فصلنامه حقوق، شماره ۲.
 ۱۲. رمضانی قوام آبادی، م.، ۱۳۹۴. پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵.
 ۱۳. رهامی، م.، ۱۳۸۷. جرایم بدون بزه‌دیده، نشر میزان، تهران.
 ۱۴. ریوچی، ه.، ۱۳۸۵. حمایت کیفری از محیط زیست، مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۶.
 ۱۵. سلیمانی، م. و وثوقی، م.، ۱۳۹۶. عوامل مؤثر بر استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم نهاد در نظارت بر عملکرد دولت در فرایند توسعه محلی، مجله توسعه روستایی، شماره ۲.
 ۱۶. کوشکی، غ.، ۱۳۹۰. چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی، مجله اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۱۷.
 ۱۷. گلشن پژوه، م.، ۱۳۸۹. راهنمای سازمان‌های غیر دولتی. موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
 ۱۸. لزرژ، ک.، ۱۳۹۰. درآمدی بر سیاست جنایی. مترجم علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
 ۱۹. محمدعلیخانی، ن. و محمدعلیخانی، م.، ۱۳۹۶. تبیین مفاهیم جنایت علیه محیط زیست، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳۰.
 ۲۰. مرکز مالگیری، ا.، ۱۳۸۵. حاکمیت قانون، مفاهیم و مبانی و برداشت‌ها، نشر پژوهش‌های مجلس، تهران.
 ۲۱. مستقیمی، ب. و طارم سوری، م.، ۱۳۷۷. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۲۲. منصورآبادی، ع.، ۱۳۸۷. تحولات مدیریت پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۸.
 ۲۳. ناجی زواره، م.، ۱۳۹۴. آیین دادرسی کیفری، جلد اول، خرسندی، تهران.
24. **Abysorn, E., and others, 1996.** Economic, Social and Cultural Rights as Human Rights, Published by Kluwer.
 25. **Elli, I., 2006.** International Invironmental law, fairness.effectiveness and world order, Cambridge university press,
 26. **En, A. 1995.** The Developing of Capacity, Community Development Resource Association. Cape Town
 27. **Hayward, I., 1995.** A law on ecocide, a way to end mass destruction of the world's ecosy stem, Law faculty university of Lund, Spring2016. p.9.
 28. **Nicholson, M., 2008.** Evaluating Ecocide: Invaluable or Invalid? University of otago.

The Role of National and International Ngos in the Prevention of Environmental Crimes

Homa Davoodi Garmaroodi¹, Iraj Goldoozian², Ahmad TolooiMoghadam^{1*}

1*- Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kraj Branch, Iran.

2- Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

The right to enjoy health is one of the basic rights of every person. Article 25 of the Universal Declaration of Human Rights adopted in 1948 and the Iranian Constitution in Article 3 (paragraphs 12), 29 and 43 emphasize the right to health and enjoyment of health. Article 2 of the Charter of Citizenship Rights approved by the President in 2016 has also declared the right to health as one of the rights of every Iranian. Today, the environment and health are closely related. Therefore, along with other values that have been predicted, the right to health and having a healthy environment is one of the basic values for human beings, so that human beings will not be able to continue their normal life without having a safe and healthy environment. The importance of preventing environmental crimes is due to the fact that it is directly related to human health, most countries put special penal regulations to actions in this regard. Therefore, this is a special issue to study in shaping the legislative criminal policy on protection environment. It can be studied and studied from the environment. The aim of the researchers in this research is to study the role of national and international actors in reducing environmental crimes. The present study seeks to explain the role of NGO's in the field of prevention, disclosure and prosecution of environmental crimes in order to clarify its importance for legislative, executive and judicial authorities. Reducing environmental crimes is important both in terms of the right to health and in terms of criminology and the need to reduce crime fields. Governments have two important tools to reduce environmental crimes: 1- establish appropriate criminal regulations with the aim of deterring and intimidating potential offenders, 2- strengthening Non-Governmental Organizations and, as a result, public education, culture-building, intervention of these organizations in the prosecution and detection of crime and creating sensitivity to such crimes. For this purpose, it is necessary for the legislator to grant more prominent role to NGOs about indictment and interference in the process of criminal and legal proceedings. This view is derived from the theory of green criminology or environmental criminology. In the present study, in addition to examining the aforementioned issues, we seek to study the role of non-governmental organizations in Iran in combating environmental crimes from the perspective of detecting and prosecuting crime and creating public sensitivity to such crimes.

Key words: Environmental Crimes, Ngos, Green Criminology, Environmental Criminology, Action and Reactionary Measures.